



پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ شماره ۹۰۹۲

irannewspapper irannewspapper

رئیس جمهوری در مصاحبه‌ای تصویری از شرایط آغاز به کار دولت، مدیریت جنگ، رابطه با رهبری و تلاش برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور گفت

رو راست با مردم نجیب



دولت

گروه سیاسی

مسعود پزشکیان در پایبندی به رسم گفت‌وگوی صادقانه با مردم، در آستانه آغاز سومین سال از عمر دولتش، اقدامات و دستاوردهای دولت در دو سال گذشته را تبیین کرد و در پاسخ به پرسش نمایندگان از افکار عمومی درباره موضوعات مهم روز بویژه موضوع جنگ و مذاکرات سخن گفت. رئیس جمهوری در این گفت‌وگو که بخش اول آن شامگاه چهارشنبه و پس از بخش خبری ساعت ۲۱ سیمای جمهوری اسلامی منتشر شد، با یادآوری مشکلات و مصایبی که از روز آغاز پیش‌روی دولت چهاردهم قرار گرفت، از عملکرد مجموعه دولت و نیروهای مسلح که با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات کشور را به جایی رساندند که در سراسر جهان از ایران به عنوان کشوری قدرتمند و با عزت و کرامت یاد می‌کنند، یاد کرد. رئیس‌جمهوری در بخشی از این گفت‌وگو با بیان اینکه از نگاه او «منظور از مردم مستقل از عقیده، باور، نگاه، جنسیت و قومیتشان، همه کسانی هستند که در این مملکت زندگی می‌کنند» و «حاکمیت وظیفه دارد بر اساس عدالت با آنان برخورد و بحق بشود»، یکی از فرازهای مهم دیگر این گفت‌وگو به مکاتبات و دیدارهایی ارتباط داشت که رئیس‌جمهوری در این مدت با آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب داشته‌اند. پزشکیان در این باره با بیان اینکه «شخصیتی که من از ایشان دیدم، از نظر اخلاقی، منطقی و تواضع واقعا استثنایی بودند»، تصریح کرد: «ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند و ایشان نیز با مهربانی، منطقی و برخوردی بسیار مناسب با ما مواجه شدند. به همین دلیل، مطالبی که گاهی از قول ایشان مطرح می‌شود، با شخصیتی که من دیده‌ام تطابق ندارد. چهره‌ای که برخی از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت متفاوت است.»، مشروح بخش اول گفت‌وگوی رئیس‌جمهوری با مردم در آستانه آغاز سال سوم ریاست‌جمهوری بدین شرح است:

آقای دکتر! خیلی ممنونم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. اکنون در آغاز سومین سال ریاست‌جمهوری شما هستیم؛ اگر بخواید این دو سال را توصیف کنید، چه تعبیری از آن خواهید داشت؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. دو سال که گذشت دیگر؛ آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است. از همان روز اولی که خواستیم مسئولیت را بر عهده بگیریم میهمان عزیزمان، اساماعیل هنیه را شبانه شهید کردند. پس از آن نیز مشکلاتی وجود داشت که همچنان ادامه پیدا کرد؛ ناترازی‌هایی که داشتیم و نگرانی از اینکه ممکن است در زمستان بری و گاز نداشته باشیم و مردم با مشکل مواجه شوند. وضعیت آب نیز نامناسب بود که البته سال بعد بدتر هم شد. خشکسالی که سال ۱۴۰۴ وجود داشت، در ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بود و واقعا شرایط بسیار سختی را ایجاد کرد. در نهایت، بحث اسنپ یک را به راه انداختند، جنگ ۱۲روزه را آغاز کردند و اتفاقاتی که در ۱۸ و ۱۹ دی رخ داد، بر مشکلات افزود. نقشه‌هایی کشیده بودند و تصور می‌کردند می‌توانند ایران را مانند سوریه، مثلاً ظرف ۴۸ ساعت، تصرف کنند. جنگ رمضان و شهادت بزرگان و عزیزانی که از دست دادیم نیز بسیار دردناک و سخت بود.

با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات، دولت، مدیران، استانداران، فرمانداران، شهرداران، کارمندان، مردم و نیروهای مسلح، کشور را تا اینجا رساندند؛ به‌گونه‌ای که امروز از ایران به‌عنوان کشوری قدرتمند و با عزت بسیار بالا نام می‌برند. این کار ساده نبود.

در میان همه این مشکلات، دولت تا جایی که از دشمن برآمده و توانسته است، تلاش کرده مردم آن احساسی را که طراحان این جنگ‌ها و نقشه‌ها به دنبال ایجاد آن بودند تا فروپاشی اجتماعی ایجاد کنند، تجربه نکنند. آنان می‌خواستند جامعه ما را به هم بریزند، این اتفاق رخ نداد و کشور تا امروز با قدرت اداره شده است.

آقای پزشکیان! یکی از واژه‌های پرتکرار در دوران ریاست‌جمهوری شما، واژه «مردم» بوده است. این سؤال وجود دارد که منظور شما کدام مردم است؟ مردمی که اصلاً رای ندادند، مردمی که در دی‌ماه اعتراض کردند یا مردمی که این ۱۵۰روز در خیابان بودند؟ آیا میان مردم تفکیکی قائل می‌شوید یا منظورتان از مردم، همان ۹۵ میلیون ایرانی است؟

خیلی روشن است. اگر به قرآن و باورهای دینی‌مان نگاه کنید، خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: «یا داوود آن جلجلک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله». یعنی ما تو را

خلیفه قرار دادیم تا بین مردم، یعنی همه مردم، به حق حکم کنی و تابع هوای نفس نباشی. قرآن پر از این آیات است. تابع هوای نفس بودن یعنی اینکه گروه، جناح و دسته خود را در نظر بگیری؛ در حالی که باید با مردم به‌درستی رفتار کرد.

حضرت علی (ع) نیز در دستور خود به مالک اشتر می‌فرماید: «واشعر قلبک الرحمة للربة والمحبۃ لهم واللطف بهم»؛ یعنی قلبت را از محبت، رحمت و لطف نسبت به خلق خود، اما خ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق»؛ مردم دو دسته‌اند: یا از نظر اعتقادی با تو یکی هستند یا در خلقت با تو برابرند.

ممکن است دچار لغزش شوند و عمداً یا به خطا اشتباه کنند. تو به‌عنوان حاکم از آنان بگذر و با مهربانی با آنها برخورد کن. این امتحان سختی است که خداوند از تو می‌گیرد. بعد هم می‌فرماید: «ولا تنصبن نفسک لحرب الله»؛ خود را در مقابل خدا قرار نده. یعنی اگر ما با مردم با مهربانی، عفو و به‌صورت خدمتگزارانه برخورد نکنیم، در حال جنگ با خدا هستیم.

منظور از مردم، همه کسانی هستند که در این مملکت زندگی می‌کنند؛ مستقل از عقیده، باور، نگاه، جنسیت و قومیتشان. حاکمیت وظیفه دارد بر اساس عدالت با آنان برخورد و به‌حق با آنها رفتار کند. متأسفانه ما در این زمینه مشکلات زیادی داریم و برای اینکه بتوانیم این روند را اصلاح کنیم، به فرصت نیاز داریم.

در این مدت تمام تلاش این بوده است که ما را از هم بپاشند. اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه‌فقط آن‌هایی که در خیابان بودند، بلکه آن‌هایی که در دلشان عقده‌ها و گلايه‌هایی داشتند، اما به‌خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند؛ نه‌تنها مشکل ایجاد نکردند، بلکه همراهی، همدلی و هم‌صدایی کردند.

تنها کسانی که در خیابان بودند، ایران ما را نگه نداشتند؛ همه مردمی که این سختی‌ها را می‌بینند و تحمل می‌کنند، برای ایران و کشورشان این کار را انجام می‌دهند. ما خود از خدمتگزار و منت‌دار این مردم می‌دانیم و از خدا می‌خواهیم کمک کند تا شرمندۀ آنان نشویم. به هر حال، اوضاعی که اکنون با آن مواجهیم، سخت‌ترین شرایط ممکن در طول تاریخ پس از انقلاب بوده است. تحریم‌ها وجود داشت و شدیدتر شد. پس از آن، بانک‌ها و روند مالی ما را نیز تحریم کردند. به این قناعت نکردند و جنگ به راه انداختند. باز هم به این قناعت نکردند و ما را محاصره کردند. یعنی در بدترین شرایط ممکن می‌خواهند ما را زمینگیر کنند. اما وقتی با مردم باشیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را زمینگیر کند؛ به‌شرط آنکه این را از ته دل بپذیریم و باور کنیم.

خلق الانسان، علمه البیان، الشمس والقمر بحسبان، والنجم والشجر يسجدان، والسماء رفعا ووضع المیزان». وقتی این جهان‌بینی را مطرح می‌کنند، بعد می‌فرماید: «الا تطغوا فی المیزان، واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان»؛ یعنی وزن‌ها را بر اساس عدالت قرار دهید، کم و زیادش نکنید. یک جهان‌بینی را بیان می‌کنند و بعد می‌گویند این کار را نکنید. ما همین آیات را برای مرده‌ها می‌خوانیم. اگر به همین آیات عمل کنیم، پست را به آدم ناتوان نمی‌دهیم، عده‌ای آدم بی‌سواد را بر آدم‌های باسواد حاکم نمی‌کنیم و مدیریت را به کسانی که وزنشان کمتر است، نمی‌سپاریم؛ زیرا می‌گویند تمام دنیا حساب‌وکتاب دارد. پس تو چرا این کار را می‌کنی؟

ما در حال انجام همین کارها هستیم. اگر همین آیاتی را که برای مرده‌ها می‌خوانیم، در عمل و اجرا به کار می‌بستیم، مشکلی نداشتیم. همه باید حضور داشته باشند؛ اما بر اساس لیاقت، توانمندی و عرضه‌شان، نه بر اساس حزب، جناح، دسته و نگرششان. این همان چیزی است که باید به آن توجه کنیم.

آقای رئیس‌جمهور! در این جنگ جنایت کم رخ نداد؛ هریک از این جنایت‌ها می‌تواند پرورنده یک جنایت جنگی باشد. اتفاقاتی که در جنگ اخیر رخ داد چه مقدار به نگاه شما در محبت حقوق بشر و بحث سازمان‌های بین‌المللی در دفاع از انسانیت اثر گذاشت؟

من بارها گفته‌ام مباحثی که درباره حقوق بشر، حقوق حیوانات، آزادی‌ها و موضوعات مشابه مطرح می‌کنند، پیش از این هم در ذهن من چندین بار پذیر نبود؛ اما اکنون دیگر کاملاً فروخورفته است. اولین سؤال این است که رهبر ما را به چه دلیل و به چه جرمی شهید کردند؟ فرماندهان و دانشمندان ما را به چه جرمی به شهادت رساندند؟ چرا می‌کنم، ما را هدف قرار دادند؟ هرچه فکر می‌کنم، هیچ منطق و توجیهی برای این اقدامات نمی‌بینم.

آنها با هر نمادی از توانمندی، ایستادگی، ابتکار و خلاقیت ما مشکل دارند. دانشگاه‌ها، مراکز هوافضا و مراکز فعال در حوزه هوش مصنوعی را هدف قرار می‌دهند و استادان دانشگاهی را که دانشمند، خلاق و توانمندند به شهادت می‌رسانند. آنها نمی‌خواهند ما انسان‌های توانمند داشته باشیم. در میان مدیران و فرماندهان نیز کسانی را هدف قرار می‌دهند که واقعا جان‌فدا بودند؛ نه فقط در کلام، بلکه در عمل تمام زندگی خود را برای این مردم گذاشته بودند؛ آنها نباید باشند تا افرادی باقی بمانند که یکی به نعل و یکی به میخ بزنند و مردم نیز از عملکردشان ناراضی شوند و بپرسند اینجا چه کسانی هستند که مدیر ما شده‌اند؟

بسیاری از فرماندهان و دانشمندان که شهید شدند، زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. بروید زندگی‌شان را ببینید؛ بعضی از آنها خانه نداشتند و خانه برخی دیگر بسیار کوچک بود. دارایی قابل توجهی نداشتند. همین شیوه زندگی، نشانه صداقت و فداکاری آن‌هاست؛ انسان‌هایی که در آن جایگاه‌ها قرار داشتند، از خود و خانواده‌شان مانند مردم عادی زندگی می‌کردند.

آقای دکتر! وقتی خبر شهادت، ۱۲ کودک را شنیدید چه حسی داشتید؟ ببینید، همان طور که گفتیم، احساس را نمی‌شود با کلمات بیان کرد. حسی شبیه بغضی است که در گلو می‌ترکد یا فقط با اشکی که از چشم انسان جاری می‌شود، خودش را نشان می‌دهد؛ اما نمی‌توان گفت چه چیزی انسان را وادار کرده که اشک از چشمانش سرازیر شود.

توصیف کم من نمی‌توانم این احساس را توصیف کنم. فطرتی که ما را خدایا که، اشک از چشمان انسان جاری می‌شود.

روز ۹ اسفندماه رهبر معظم انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند، شما چه

زمانی از شهادت ایشان مطلع شدید و چه حسی داشتید؟ ما همین جا جلسه داشتیم که این محل را زدند و در حقیقت همان‌جا احساس کردم این اتفاق افتاده است؛ چون با توجه‌ای که حمله کرده بودند و با توجه به اینکه گفته می‌شد رهبر عزیزمان آنجا حضور دارند، طبیعی بود چنین احساسی به انسان دست بدهد؛ همان حسی که گفتیم و توصیف‌کردنی نیست.

به‌هرحال، ما سرمایه و پشتوانه بزرگی را از دست دادیم؛ بویژه دولت که ایشان مانند کوه پشت آن ایستاده بودند و پشتیبانی می‌کردند. من صادقانه همه حرف‌هایمان را با ایشان در میان می‌گذاشتم. شاید اکنون بسیاری از مطالب را نگفته باشم که آنجا در محضر رهبر عزیزمان مطرح می‌کردم. ایشان واقعا به ما کمک و همراهی می‌کردند. اگر حمایت ایشان نبود احتمال تنش‌های اجتماعی زودتر از زمانی که اتفاق افتاد ممکن بود خودش را نشان بدهد. دشمن روی این مسأله حساب باز کرده بود که با شلیک موشک و تخریب مملکت را ساقط خواهند کرد. اما پشتیبانی ایشان اجازه نداد.

وقتی مستأصل شدند مقام معظم رهبری را شهید کردند. کار بسیار وحشیانه آنها انجام گرفت و گمان می‌کردند که دیگر کشور دچار فروپاشی خواهد شد، اما ادامه یافت و رهبر عزیز ما انتخاب شد. ولی اکنون وجود رهبر جدید و عزیزمان نقطه قوت بسیار بزرگی برای ماست تا بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم. هرچند ارتباط با ایشان اکنون بسیار دشوار است.

در همین موضوعی که مطرح شد، پيامی از ایشان منتشر شد که «علی‌الاصول موافق نبودم»، اما در نهایت اجازه دادند این روند شکل بگیرد. عده‌ای که به‌دنبال تفرقه و زنده کردن شکاف‌ها بودند و می‌خواستند به اهداف حزبی خود برسند، این موضوع را بزرگ کردند؛ در حالی که سخن ایشان کاملاً درست بود.

ایشان دیدگاهی داشتند و پس از جمع‌شدن‌ای که در همان شورا انجام شد، گزارش‌ها به خدمتشان ارائه شد. فرمودند اگر سه‌چهارم آرا را به دست آورد، من می‌پذیرم. این تصمیم به‌جای سه‌چهارم، رای ۱۲ نفر از ۱۳ نفر را به دست آورد و ایشان نیز پذیرفتند. این یعنی نظر کارشناسی را پذیرفتند و بر اساس نظر کارشناسی تصمیم گرفتند.

اما همین موضوع بهانه‌ای در اختیار عده‌ای قرار گرفت تا شکاف ایجاد کنند و سخنانی بگویند که نه منصفانه بود و نه صادقانه. تلاش کردند مسأله را به‌گونه‌ای جلوه دهند که دیگران چنین و چنان‌اند. انصاف هم چیز خوبی است.

شهید دکتر بهشتی در کتاب «حق و باطل از دیدگاه اسلام» با استناد به قرآن و روایات می‌فرماید احادیث فراوانی وجود دارد که می‌گویند انصاف نیمی از دین است؛ اما ایشان می‌گویند من معتقدم انصاف تمام دین است. چیزی را که برای خود نمی‌پسندی، نباید برای دیگران نیز پسندی. واقعیت این است که من در این رفتارها انصافی نمی‌بینم.

آقای رئیس‌جمهور، در دوران جنگ موضوع بازگشت ایرانیان خارج از کشور بسیار مطرح شد. ظاهراً شما در همان مقطع درباره این مسأله با رهبر شهید نیز گفت‌وگو کرده بودید. در آن گفت‌وگو چه مباحثی مطرح شد و نگاه ایشان به بازگشت ایرانیان خارج از کشور چه بود؟

بله، من این موضوع را با ایشان مطرح کرده بودم و قرار شد نامه‌ای خدمتشان بنویسیم. به وزارت امور خارجه و همکاران خودمان نیز گفتیم بگیری کنند تا به دستگاه‌های امنیتی ابلاغ شود رهبر ایرانی که می‌خواهد به کشور بازگردد، برای ورودش مشکل ایجاد نکنند. اگر فردی پیش از ورود مسأله‌ای دارد، همان ابتدا به او اعلام کنند که نباید یا از همان‌جا بازگردد؛ نه اینکه وارد کشور شود، او را بازداشت کنند و اجازه بازگشت هم ندهند. هر ایرانی باید بتواند به‌راحتی وارد ایران شود و برای او مانع ایجاد نکنند.

می‌گویند: حقیقت سربانی است آراسته هوا و هوس گرد برخاسته نبینی که جایی که برخاست گرد نبیند نظر، گرچه بنیاست مرد وقتی یک اعتراض به شورش تبدیل می‌شود، دیگر تشخیص دوست و دشمن آسان نیست و روند به نقطه‌ای می‌رسد که حوادث سختی رخ می‌دهد.

شما دیدید برخی رسانه‌ها و خبرنگاران مدعی شدند در ایران ۴۰ هزار یا ۶۰ هزار نفر کشته شده‌اند. وقتی دیدیم چنین فضایی شکل گرفته است، گفتیم اسامی و کد ملی همه جان‌باختگان و شهدا را اعلام کنند و هرکس نام فرد دیگری را دارد، ارائه دهد. اما کسانی که در خارج از کشور نشسته‌اند و خود را دلسوز، آگاه و گاهی روشنفکر و دانشمند نشان می‌دهند، یک آمار حدود سه‌هزار نفر را به ۴۰ یا ۳۰ هزار تبدیل کردند و افکار عمومی را به انحراف کشاندند. این رفتار نشان می‌دهد که چقدر نامرد و وطن‌فروش هستند.

این موضوع تأیید شده بود و قرار بود تا پایان پیگیری شود، اما متأسفانه فرصت نشد آن نامه را از ایشان بگیریم. ان‌شاءالله بتوانیم این کار را با رهبر عزیزمان به نتیجه برسانیم. هر ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کند، ایران خانه اوست؛ باید بتواند بماند و به‌راحتی بازگردد و ما نباید برایش مانع ایجاد کنیم.

اگر قرار است کسی اجازه ورود نداشته باشد، باید از ابتدا صریحاً به او گفته شود که نباید؛ نه اینکه وارد کشور شود و بعد او را بگیرند و نگذارند بازگردد. این کار نامردی است.

آیا رهبر شهید در همراهی با شما می‌خواستند این اقدام انجام شود و آن را تأیید می‌کردند، یا این صرفاً نظر شخصی شما بود؟

اگر ایشان باور و اطمینان نداشتند، آن را تأیید نمی‌کردند. رهبری این‌گونه نیستند که صرفاً به‌خاطر ما تصمیمی بگیرند.

یکی از رخداد‌های مهم جنگ ۱۲روزه، ماجرای سوءقصد به شما در عصر ۲۵ خرداد بود. اتفاقاً حاجی میرزایی در گفت‌وگویی روایت کردند که شما بلافاصله پس از آن ترور به ملاقات رهبر انقلاب رفتید. وقتی ایشان متوجه شدند شما هدف سوءقصد قرار گرفته‌اید، چه واکنشی نشان دادند و در آن دیدار چه سخنانی میان شما ردوبدل شد؟

آن روز قرار بود ساعت پنج خدمت رهبری برسیم. حدود ساعت چهار و نیم، هنگامی که در جلسه بودیم، آنجا را بمباران کردند و در نتیجه توانستیم در زمان مقرر به دیدار برویم. به‌هرحال زنده ماندیم و از محل بیرون آمدم؛ در حالی که تمام بدن‌مان خاکی شده بود و پا و زانوهایمان نیز زخمی شده بود.

بعد به‌ما گفتند آقا همچنان منتظر شما هستند. حدود ساعت شش و چهل و پنج دقیقه به دیدار ایشان رسیدیم و ایشان فقط منتظر بودند ما را ببینند. ماجرا از خدمتشان توضیح دادیم؛ ایشان نیز دستوراتی دادند و برای ما دعا کردند. پس از پایان جلسه هم به خانه بازگشتیم. ایشان مانند یک کوه در پشتیبانی از دولت حامی بودند و اگر دستاوردی داشته‌ایم به دلیل پشتیبانی ایشان بود. اکنون که عده‌ای زمینه را فراهم دیده‌اند و حرف‌هایی را بیان می‌کنند یا بی‌اطلاع هستند یا نسبت به وضعیت آگاه نیستند یا بی‌انصاف هستند.

آقای دکتر، در مکاتبات و دیدارهایی که با آقای چیتچی داشتید، مهم‌ترین ویژگی‌هایی که از شخصیت، نگاه و شیوه گفت‌وگوی رهبر انقلاب در ذهن شما شکل گرفت، چه بود؟

ببینید، من بارها این موضوع را چه علنی و چه در جلسات خصوصی گفته‌ام. شخصیتی که تو واقعاً استثنایی بودند. به همین دلیل معتقدم هرچه بتوانیم مسائل و درددل‌هایمان را صریح‌تر با ایشان در میان بگذاریم، بهتر می‌توانیم به تفاهم برسیم. ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند و ایشان نیز با مهربانی، منطقی و برخوردی بسیار مناسب با ما مواجه شدند.

به همین دلیل، مطالبی که گاهی از قول ایشان مطرح می‌شود، با شخصیتی که من دیده‌ام تطابق نمی‌دارد. چهره‌ای که برخی از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت متفاوت است. تصور من این است که اگر ارتباط ما با ایشان بیشتر و درستی‌ها بیشتر شود، حتماً تعامل نیز بهتر خواهد شد. اگر ایشان مشکلات ما را از نزدیک ببینند، حتماً کمک و همراهی خواهند کرد. متأسفانه وضعیت فعلی تا حدی فضا را برای برخی خناسان فراهم کرده است تا مسائل را به‌گونه‌ای دیگر تعریف و چهره‌ای متفاوت از ایشان ارائه کنند.



برش

در اولین جلسه‌ای که درباره آسیب‌دیدگان حوادث دی برگزار شد، چه موضوعاتی با رهبری شهید مطرح شد؟ ایشان بسیار ناراحت بودند و ما هم به‌شدت ناراحت بودیم؛ چون اقداماتی که صورت گرفته بود واقعا بسیار وحشیانه بود. از طرفی، به‌دلیل نبود آماردگی لازم در مدیریت ماجرا، افراد زیادی آسیب دیدند. جوانان زیادی جان باختند و شهید شدند و عده‌ای نیز اعضای بدن خود را از دست دادند. این حادثه هنوز من در ذهن من خارج نمی‌شود و نمی‌توانم آن را فراموش کنم. ما نباید اجازه می‌دادیم کار به اینجا برسد. خود ترامپ نامرد هم صریحاً گفت که این افراد را مسلح کرده و از آنها پشتیبانی می‌کرده‌اند؛ بنابراین روشن بود که چه هدفی داشتند. با این حال، عده‌ای از افراد بی‌گناه نیز در میان آنها قرار گرفته بودند. واقعیت این است که ما مشکلاتی داشتیم و همچنان هم داریم. عده‌ای بحق مشکلات خود را مطرح می‌کردند، اما گروهی دیگری می‌خواستند از این فضا برای تحقق نیت‌های شوم و پلید خود استفاده کنند و همین مسأله باعث شد روند درهم‌آمیخته شود.